

دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی-تخصصی پوییش در آموزش علوم پایه

دوره سوم، شماره ششم، بهار ۱۳۹۶

مدیریت برقراری ارتباط با دانش آموز در کلاس ریاضی

ریحانه سادات مهدی‌زاده^۱، ساره حق‌خواه^۲

چکیده

از مهم‌ترین وظایف معلمان در فرایند آموزش، برقراری روابط صحیح و سالم با دانش‌آموزان است. دانش‌آموز باید از طریق مدرسه و به وسیله معلم، اجتماعی شدن را بیاموزد و با کسب مهارت‌های اجتماعی مورد نیاز جامعه، هم موجب موفقیت و پیشرفت خود و هم باعث اعتلای جامعه گردد. مقاله حاضر سعی دارد با عنایت به فرایند کنش‌پژوهی صورت گرفته، اصولی را در مدیریت برقراری ارتباط با دانش‌آموز در کلاس ریاضی ارائه نماید. در راستای این هدف با مطالعه کتاب‌ها و مقالات مختلف و مذاقه و تأمل ویژه بر تعاملات پژوهشگر در محیط مدرسه، سعی شد نقاط ضعف یا گسل‌های تهدیدگر ارتباطی شناسایی و طی شش جلسه تدریس به نقاط قوت یا فرصت تبدیل نماییم. از نتایج مهم حاصله، لزوم دقت در رفتار خود به صورت عام و خاص است. این مهم از آن جهت است که ارتباط صرفاً جنبه کلامی ندارد و تمامی افعال، ایماها، اشاره‌ها و... همگی در بردارنده پیام و حاوی نشانه‌اند. احترام به شخصیت همه در هر جایگاه اجتماعی شالوده حفظ کرامت انسانی طرفین و برقراری تعامل سازنده است. به طور کلی در راستای ارتباط مؤثر هشت راهکار عملی به عنوان فرضیه در بوتۀ آزمایش قرار گرفت که صحت‌سنجی شد و فرضیه‌های سره از ناسره بازشناسی گردیدند.

کلید واژه‌ها: ارتباط بین فردی، معلم، دانش‌آموز، ریاضی، تدریس.

^۱ دانشجوی کارشناسی دبیری ریاضی دانشگاه فرهنگیان، ایران، نویسنده مسئول،

Rs.mehdizadeh@yahoo.com

^۲ استادیار گروه علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

مقدمه

تربیت حرفه‌ای معلمان از شناخت خود، حرفه و مخاطبان آغاز می‌شود، به شیوه‌های انتقال مطالب و برقراری ارتباط با دانش‌آموزان راه می‌یابد و تا خودآموزی، خودناظری، خودابزاری، جست‌وجوگری، بیش‌خواهی، پیش‌نگری، جرأت تغییر در خود، و ده‌ها موضوع اساسی دیگر که حرفه معلمی را تصویر می‌کنند، کشانده می‌شود. برای دست یافتن به چنین آمادگی‌هایی، پس از دستیابی به اصول آموزشی و کسب مفاهیم نظری لازم، کارورزی و درگیر شدن عملی با جریان آموزش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل برنامه آموزشی دانشجوی معلمان بر کارورزی و راه و روش آن تأکید دارد (رؤوف، ۱۳۷۵).

در این مقاله فرآیند کنش‌پژوهی پژوهشگر و نتایج حاصله مربوط به درس کارورزی ۳ دانشگاه فرهنگیان در کلاس‌های درس ریاضی بیان می‌گردد. در کارورزی ۳ فعالیت دانشجویان در کلاس‌های درس سطح وسیعی را دربرگرفت و فعالیت‌هایی نظیر تدریس کامل مباحث به دانشجو واگذار می‌شد؛ بنابراین دانشجویان برای قرارگیری در محیط کار، بیشتر آماده می‌شدند و تجارب خوبی کسب می‌نمودند. همچنین یک پژوهش گسترده برای از بین بردن یکی از نقاط ضعف آموزشی بایستی انجام می‌شد. نحوه خلقت انسان به گونه‌ای است که به تنهایی قادر به رفع نیازمندی‌هایش نیست و لذا به زندگی جمعی روی می‌آورد و لازمه این زندگی جمعی برقراری ارتباط است. از نظر بارنارد نیز سه عنصر اصلی سازمان، هدف، ارتباط و تمایل اعضا به همکاری است؛ تا مدیر با معلم، معلم با دانش‌آموز، مدیر و معلم با اولیاء و ... رابطه برقرار نکنند چگونه می‌تواند احساسات و عواطف خود را بدان‌ها منتقل کند و موجب تغییر گردد؟ (علاقه‌بند، ۱۳۹۳)

مهارت‌های ارتباط مؤثر بر این نکته تأکید می‌ورزد که «معلم بودن» پیچیده‌ترین و دشوارترین فعالیت‌هاست؛ چرا که معلم با انسان‌های مختلف و پیچیده سر و کار دارد، در نتیجه فن معلمی هنری است ظریف و حساس که با کمترین لغزش و خطا، خسارت جبران‌ناپذیری بر شخصیت فراگیر وارد شده و قطعاً هرگونه رفتار صحیح و سنجیده موجب آینده‌ای درخشان برای فرد می‌شود. با این مقدمه باید دریافت که یک معلم باید به گونه‌ای رفتار کند که اولاً ارتباط

عاطفی و معنوی محبت‌آمیزی با دانش‌آموزان حفظ شود و ثانیاً مدیریت و کنترل کلاس را به نحو شایسته‌ای انجام دهد و از منظری دیگر معلم باید در مقابل رفتارهای نامطلوب فراگیران از جمله خستگی از درس، استقلال‌طلبی در برابر معلم و احياناً بی‌توجهی به مقررات کلاس تصمیم درست و شایسته‌ای را اتخاذ کند (نقیه، ۱۳۸۹). در مقاله حاضر با بررسی‌ها، مطالعات و تأملات صورت گرفته وضعیت مطلوب آرمانی و در عین حال قابل دسترسی را برای خود ترسیم نموده و سعی شد در تمام فرصت‌ها، ایده‌های مطرح شده برای برطرف نمودن این مشکل را به کار گیریم، چرا که با برقراری ارتباط مناسب فرآیند آموزشی نیز به خوبی هدایت می‌شود و موفقیت‌هایی در همه زمینه‌ها محقق خواهد شد؛ با توجه به توضیحاتی که بیان شد ارتباط دو سویه معلم-شاگرد جایگاه مهمی در فرآیند تعلیم و تربیت و خصوصاً در کلاس‌های ریاضی دارد، چرا که ریاضی همواره درسی است که فراگیری آن به نسبت بقیه دروس برای دانش‌آموزان سخت‌تر است و بسیاری از بچه‌ها از یادگیری آن ناامیدند و با استرس و اضطراب در کلاس‌ها حضور می‌یابند و لذا مشکلات و نقاط ضعف این مقوله از اهمیت بسزایی برخوردار است و معلم می‌تواند با داشتن مهارت برقراری ارتباط با دانش‌آموزان و مدیریت آن، کلاس‌های بی‌روح ریاضی را شکوفایی و شادابی بخشد (حسینی بیرجندی، ۱۳۹۳).

بیان مسئله

از مهم‌ترین مهارت‌ها و مسئولیت‌های معلم برقراری ارتباط عاطفی با متعلمان است، ارتباط و تعامل بین معلم و دانش‌آموز در تمام لحظات حضور معلم در کلاس و مدرسه به صورت مستقیم یا غیر مستقیم دائماً جاری است و نحوه برقراری این ارتباط تأثیرات مهم و قابل توجهی بر عملکرد معلم و دانش‌آموز خواهد داشت (چارلز، ۱۳۸۳). در ابتدای حضور در کلاس‌های درس به عنوان یک معلم، در برقراری ارتباط با دانش‌آموزان چندان موفق نبوده و در مواقعی که فعالیتی را در کلاس انجام می‌دادیم، نمی‌توانستیم به واکنش تک تک دانش‌آموزان بازخوردهای مناسبی ارائه نماییم یا اغلب به علت تمرکز بر روی محتوایی که

قرار بود در کلاس بیان شود، دیگر برقراری ارتباط با بچه‌ها و حتی نگاه کردن به آن‌ها دشوار بود. در نتیجه مدیریت کلاس نیز به خوبی محقق نمی‌شد و موجب بروز بی‌نظمی‌هایی می‌گشت. بنا به گفته دکتر حسن شعبانی، ایجاد شرایط مطلوب یادگیری در کلاس درس بدون فراهم کردن زمینه ارتباط مؤثر ممکن نخواهد بود (شعبانی، ۱۳۹۲). لذا برای حل مسئله به مباحث حوزه علوم ارتباطات تمسک جسته شد.

بی‌شک ارزیابی این مهم که آیا تغییر قابل توجهی در انتقال از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب انجام پذیرفته است یا خیر؛ نیازمند شاخص و معیار قابل سنجش و اندازه‌گیری است. این شاخص‌ها بایستی تجربه‌پذیر و قابل تکرار باشند، با توجه به موضوع انتخاب شده بهترین شاخص برای درک موفقیت سیاست‌های اعمال شده به قرار زیر تعبیر می‌گردد:

$$1 \rightarrow (\text{مفهوم دریافتی} / \text{مفهوم مقصود}) = \lim \text{ارتباط مؤثر}$$

به عبارتی در پرسش از دانش‌آموزان، هرچه آن‌ها مفاد آموزشی را به گونه‌ای پاسخگو باشند که جواب، نزدیک‌تر به منظور صحیح مورد نظر معلم باشد، آموزش بهتر انجام پذیرفته و ارتباط مؤثرتر بوده است. پس می‌توان با پرسشگری و اخذ آزمون از دانش‌آموزان و مقایسه نتایج ارزیابی‌های دوره‌ای، کیفیت ارتباط بین معلم و شاگرد را مورد بررسی قرار داد.

مدرسه محل کارورزی در این پژوهش، دبیرستان امام حسن عسکری (ع) در دوره متوسطه اول بود که در شهر شیراز واقع گشته است. ده ایده و راهکار عملی به عنوان فرضیه‌های عملیاتی بهبود روابط بین معلم و شاگرد از نگاه معلمان و عوامل اجرایی امر تعلیم و تربیت و مستندات علمی که به نظر اینجانب جنبه کاربردی دارد ارائه می‌گردد:

۱. اشتباه دانش‌آموزان خود را بزرگ نکنید. این کار باعث می‌شود بعد از مدتی دانش‌آموز فکر کند و باور کند که هر کاری انجام می‌دهد یا هر سخنی که می‌زند اشتباه بوده و به یک دانش‌آموز منزوی تبدیل شود.
۲. همیشه با همه دانش‌آموزان احوال‌پرسی کنید و حتی در مورد مشکلاتشان از آن‌ها سؤال کنید و با مهربانی و دلسوزی سعی در رفع مشکلات آن‌ها کنید.

۳. به نظریات و سخنان دانش‌آموزانتان چه در هنگام تدریس و چه در هنگام غیر تدریس خوب گوش دهید و سخنان را در وسط کلامشان قطع نکنید.
۴. هیچ‌گاه در کلاس و مدرسه به یک نفر توجه و اهمیت خاصی نشان ندهید و یک نفر را در کلاس یا مدرسه برجسته نکنید.
۵. به دانش‌آموزانتان مانند یک برادر یا خواهر کوچک‌تر احترام بگذارید.
۶. همیشه با لبخند وارد مدرسه و کلاس بشوید با لبخند در مدرسه و کلاس بمانید و با لبخند مدرسه و کلاس را ترک کنید.
۷. جای مناسب در کلاس برای خود انتخاب کنید و با همه دانش‌آموزان در تعامل و رفت‌وآمد باشید (نقیه، ۱۳۸۹).
۸. فضای کلاس درستان را جذاب کنید و از حضور تک‌تک دانش‌آموزان در کلاس درس استفاده کنید.
۹. با دانش‌آموزان خود همدلی کنید. این کار باعث می‌شود که زمینه نفوذ در دانش‌آموز برایتان فراهم گردد و او را بهتر درک کنید و باعث افزایش میزان ارتباط میان شما شود.
۱۰. اگر دانش‌آموزتان کار اشتباهی انجام داده است او را مستقیماً مورد موعظه قرار ندهید. می‌توانید خود را مورد خطاب قرار دهید (چارلز، ۱۳۸۳).

برای اجرای راه‌های عملی علاوه بر ایجاد حس درونی، برنامه‌ریزی عملی برای تحقق آن‌ها به صورت میدانی وجود دارد. عینیت بیرونی این راه‌ها ناشی از اجرای برنامه مطلوب تدوین شده متناسب با وضعیت مطلوب پیش‌بینی شده است. این فرضیات که هشت عدد بودند به صورت زوج زوج دسته‌بندی شدند تا در هر جلسه حضور در کلاس به ترتیب با یک روند تجمعی، بتوان پس از ۴ جلسه بر همه موارد تسلط اجرایی پیدا نمود.

اجرای طرح

در کارورزی ۳ روش کاری که از دانشجویان خواسته شده بود به این صورت بود که در طول ترم حداقل ۶ جلسه تدریس را با هماهنگی با معلم راهنما اجرا نماییم؛ هر تدریس شامل شش

مرحله بود و سعی محقق نیز بر این بود تا در هر شش مرحله با توجه به مطالعه کتاب‌های علمی مختلف و دیگر روش‌ها نقطه ضعف خود را به نقطه قوت تبدیل نموده و در پایان پژوهش به وضعیت مطلوبی رسیده باشیم. در این قسمت اقداماتی که در شش جلسه تدریس در طول تحقیق اجرا نموده؛ بیان می‌شود.

از جلسه دوم تدریس راهبردهای اتخاذ شده به قرار زیر اجرا شدند. شایان ذکر است در جلسه اول دو راهبرد شروع با لبخند، جایابی مناسب در کلاس اجرا شد. این دو راهبرد در جلسات دیگر نیز مستمراً مورد توجه بود. در ادامه راهبردهای سه‌الی هشت، به صورت زوجی در جلسات اجرا شد به طوری که در دو جلسه آخر به همه راهبردها جامعه عمل پوشانده شد. نتایج اجرای فرضیه‌ها به قرار زیر گزارش می‌شود:

۱. **همیشه با لبخند وارد مدرسه و کلاس بشویم.** برای مدیریت بهتر رفتار با دانش‌آموزان در شروع کلاس از قبل تصمیم گرفته شد، این نکات به کار گرفته شوند که شامل: سلام و احوال‌پرسی اولیه با آن‌ها و وارد شدن با لبخند به کلاس، حس ارزش قائل بودن برای تک تک آن‌ها، صدا زدن با اسم.

۲. **جای مناسب در کلاس برای خود انتخاب کنیم.** پژوهشگر معمولاً در کلاس و به‌ویژه زمان انجام فعالیت گروهی بین گروه‌ها قدم زده و در صورتی که متوجه حضور فردی منزوی در گروه می‌شد که هیچ تلاشی نمی‌کند با او صحبت نموده، تا مشکلی در صورت امکان از بین رود؛ همچنین سعی شد هنگامی که مشارکت آن‌ها را در گروه می‌بینیم آن‌ها را تشویق کرده و به این ترتیب روابط بهتر با آن‌ها برقرار نماییم تا حس اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند که با توجه به توصیه‌های کتاب ۵۰۰ نکته برای معلمان، کمک به دانش‌آموزان فاقد اعتماد به نفس و ایجاد حس خودباوری در آن‌ها از طریق بزرگ جلوه دادن موفقیت آن‌ها در برقراری ارتباط مؤثرتر بین معلم و دانش‌آموزان در کلاس حائز اهمیت است (براون، ارلام، ریس، ۱۳۹۰).

۳. **با تدوین طرح درس و توجه به پیوستگی و سطح‌بندی، بر ارتباط دانش‌آموز و کلاس بیفزاییم.** برای ایجاد نظم در تدریس و توجه به همه مضامین آموزش، قبل از

حضور در کلاس درس طرح آموزشی را در شش مرحله تدوین نموده و زمان مناسب برای هر بخش را تعیین می‌کردیم.

۴. هیچ‌گاه در کلاس تنها به یک نفر توجه نشان نداده و از حضور تک تک

دانش‌آموزان استفاده کنیم. محقق سعی داشت در مدت زمان حضور در کلاس به همه توجه داشته و کسانی که ضعیف‌تر هستند و مشارکتی در کلاس ندارند را به فعالیت وادار نماییم. در هنگام ارائه توضیحات؛ مشاهده شد دانش‌آموزی چند بار رشته کلام را قطع نمود و یافته‌های خود را بیان می‌کرد، در نتیجه تصمیم گرفته شد این وقفه‌ها را به تجربیات مثبت آموزشی تبدیل نموده و در زمان ایجاد شده نکته‌های مثبت آموزشی استخراج نماییم؛ بدین ترتیب دانش‌آموز احساس می‌کند به حرف او اهمیت داده شده و سعی می‌کنند در دفعات بعد بدون دلیل در کار معلم وقفه ایجاد نکنند (براون، ارلام، ریس، ۱۳۹۰).

۵. اشتباه دانش‌آموزان خود را بزرگنمایی نکنیم. از مواردی که این راهکار به کار

گرفته شد به این صورت بود، هنگامی که برگه دانش‌آموزان را به آنان تحویل دادم، بچه‌ها در آن لحظه بسیار حساس بودند و تا حدودی اضطراب داشتند اما مشاهده شد که کسانی که نمره کامل گرفته بودند و جملات تشویقی را می‌خواندند؛ بسیار خوشحال می‌شدند. در عین حال با محرمانه تحویل دادن برگه دانش‌آموزان به آن‌ها، ترتیبی اتخاذ شد که دانش‌آموزان با نمره پایین به صورت فردی مورد نکوهش قرار نگیرند. که در کتاب‌های مطالعه شده در ارزشیابی از کار دانش‌آموزان چنین اشاراتی شده است (براون، ارلام، ریس، ۱۳۹۰).

۶. با همه دانش‌آموزان احوال‌پرسی کنیم و با مهربانی و دلسوزی سعی در رفع

مشکلات آن‌ها داشته باشیم. سعی شد این احساس پذیرش را در بچه‌ها ایجاد نموده و در مواقعی که کسی سؤال می‌پرسید با صرف دقت و حوصله و با گشاده‌رویی به او پاسخ دهیم (نقیه، ۱۳۸۹).

۷. فضای کلاس درس را جذاب کنیم. در اکثر جلسات، جهت افزایش جذابیت کلاس

از نمایش تصاویر گرافیکی با ویدئو پروژکتور استفاده شد. با توجه به اینکه تصاویر

نمایش داده شده از کیفیت گرافیکی خوبی برخوردار بود و ارزش‌های دربرگیری، ندرت و تازگی را در خود مستتر داشت دانش‌آموزان با علاقه زیاد به درس توجه می‌نمودند و پارازیت‌های محیطی آنان را به خود مشغول نمی‌کرد. برای درگیر کردن دانش‌آموزان و افزایش جذابیت در تدریس مبحث قدر مطلق نیز، ابتدا یک کلیپ به آن‌ها نشان داده شد، سپس سؤالی مفهومی که نیاز به حل ریاضی نداشت از درس آن روز، برای بچه‌ها مطرح شد. در کلاس هشتم برای حل یکی از سؤال‌های فعالیت کتاب از بچه‌ها خواسته شد؛ روباتی در نظر گیرند که به صورت افقی یا عمودی حرکت می‌کند و ۲ نفر از بچه‌ها آمدند تا فرمان ربات را روی کاشی‌های کف کلاس عملی انجام دهند، به این صورت آن‌ها با جمع برداری به صورت هندسی و مختصاتی به خوبی آشنا می‌گشتند و عملاً آن را تجربه می‌کردند.

۸. اگر دانش‌آموزی کار اشتباهی انجام داد او را مستقیماً مورد موعظه قرار ندهیم. در حین تدریس متوجه شدیم تعدادی دانش‌آموز در کلاس نسبت به درس بی‌توجه‌اند و به توضیحات گوش نمی‌دادند، برای رفع این مشکل و مدیریت آن سعی شد؛ با توجه به مطالعات قبلی از این راهکار کمک بگیریم که، چون می‌دانیم انسان‌ها ذاتاً به تمجید علاقه‌مند هستند، پس به جای تذکر و غر زدن به شاگردان بی‌توجه، از افراد پویا و فعال کلاس تعریف شود و زمینه‌ای برای افزایش انگیزه دیگران فراهم آمد (براون، ارلام، ریس، ۱۳۹۰). این راهکار با توجه به این مستند نیز تأیید می‌شود، بر اساس گفته آیت‌الله مظاهری از وظایف سنگین معلم یا استاد علاوه بر تعلیم و تربیت، شخصیت دادن به دیگران است و معلم باید به سخنان خویش بسیار دقت کند تا مبادا موجب رنجش خاطر یا خجالت‌زدگی شاگردش شود، در این روز بعد از تجربه چند جلسه تدریس موفق به کنترل بازخوردها و رفتار بچه‌ها گشته و توانستیم بازخوردهای مناسب‌تری به آن‌ها دهیم و پیشرفت خود را در مدیریت برقراری ارتباط کاملاً احساس نمودیم.

بازکاوی و ارزیابی طرح

حال در این قسمت از مقاله به تأمل، دقت و بازنگری در مورد وضعیت حاصله پرداخته و با بررسی ملاک‌ها، گزارش‌ها و شناختی که نسبت به خود داشته بررسی می‌شود تا چه حد به وضعیت مطلوب رسیده‌ایم و میزان تأثیر راهکارهای به کار گرفته شده را بررسی می‌نماییم؛ این کار در عمل در واقع همان گام سوم کنش‌پژوهی است. یکی از راه‌های مهم برقراری روابط حسنه بین معلم و دانش‌آموز و در تمام جلسات مورد استفاده قرار گرفت این بود که «همیشه با لبخند و چهره‌ای با نشاط وارد مدرسه و کلاس بشویم.» با اجرای این روش با اولین برخورد صورت گرفته بین پژوهشگر و بچه‌ها نگرش مثبتی در ذهن آن‌ها ایجاد می‌شد. نکاتی که متناسب با این راهبرد مورد استفاده قرار گرفت شامل: سلام و احوال‌پرسی اولیه با آن‌ها و وارد شدن با لبخند به کلاس، انتقال حس ارزش قائل بودن برای تک تک آن‌ها در رفتار و... بود. با دقتی که بر نحوه بازخورد بچه‌ها بعد از این عمل داشتیم، متوجه شدیم که این روش بسیار مؤثر است و یکی از نکاتی است که هر معلمی به سادگی می‌تواند آن را به کار گیرد. بنا به گفته آیت الله مظاهری از جمله عواملی که موجب پیشرفت انسان می‌شود تَلَطُّف در زبان است و عدم توانایی در به کارگیری لغات مناسب و آداب معاشرت ضربه بزرگی به شخصیت انسان و در بعضی مواقع به طرف مقابل او وارد می‌کند و رعایت این نکته برای معلم بسیار مهم است و پیامبر اسلام نیز با زبان نرم خویش توانستند عرب‌های جاهل را نزد خویش جمع کنند (مظاهری، ۱۳۷۰).

با توجه به برنامه کاری محقق که بایستی تدریس خود را در شش مرحله انجام داده، سعی بر این بود که برای هر شش مرحله و متناسب با درس آن روز و برنامه‌ای که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده بود، راهبردها و ایده‌هایی در جهت برقراری ارتباط موفق با بچه‌ها در ذهن داشته باشیم، یکی از این راهبردها «انتخاب جای مناسب در کلاس برای خود» بود که اغلب با توجه به آموزش محور بودن کتاب‌های ریاضی جدید و طراحی کارهای عملی و گروهی برای بچه‌ها، در برقراری ارتباط مؤثرتر بسیار موفقیت‌آمیز بود و با قدم زدن بین ردیف‌ها و گروه‌ها

به طور مستقیم توانستیم؛ ضمن ارتباط نزدیک با آن‌ها، بر فعالیت‌های دانش‌آموزان اشراف کاملی داشته باشیم.

نتیجه مؤثر این عملکرد آن بود که در صورتی که می‌دیدیم فردی در گروه همکلاسی‌ها منزوی است و هیچ تلاشی نمی‌کند با او صحبت نموده تا اگر مشکل خاصی دارد برطرف شود یا انگیزه پیدا کند، در فعالیت‌های دسته‌جمعی مشارکت کند. تحلیل پژوهشگر آن بود که اغلب دانش‌آموزانی که کمتر در کلاس به آن‌ها توجه می‌شد به انزوا عادت کرده بودند و اعتماد به نفس پایینی داشتند. اما سعی شد با جابجایی مناسب در کلاس و حضور در بین همه گروه‌ها، آن‌ها را تشویق به مشارکت کنیم و به این ترتیب روابط بهتر با آن‌ها برقرار نماییم تا حس اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنند.

راهکار سوم استفاده شده که آن را مورد بازنگری قرار می‌دهیم به این صورت بود که «طرح درس به این صورت تدوین گردد که دارای پیوستگی باشد و به کاربرد مطالب در زندگی روزمره به طور مستقیم توجه کند.» با توجه به این که سؤالی که اغلب ذهن دانش‌آموز را پس از تدریس یک درس درگیر می‌کند، این است که این درس فراگرفته شده، به چه درد ما می‌خورد؟ و کجا می‌توانیم از آن استفاده کنیم؟ در حالی که ریاضیات به عنوان یک درس اصلی است که داشتن درک درست از آن در آینده تحصیلی دانش‌آموزان و طبعاً پیشرفت علمی کشور نقش مهمی دارد. همچنین ریاضی ارتباطاتی با زندگی روزمره، سایر علوم و کاربردهایی در زندگی عملی آینده دانش‌آموز دارد. به این ترتیب در برنامه درسی و آموزشی، برقرار کردن پیوند ریاضیات با کاربردهایش در زندگی و سایر علوم از قبیل: هنر، علوم طبیعی، علوم مهندسی، علوم اجتماعی و... باید مد نظر قرار گیرد. با گنجاندن این اصل در روش تدریس ارتباط برقرار نمودن بچه‌ها با فضای درسی و در نتیجه با معلم بسیار بیشتر شد و آن‌ها سعی می‌کردند خود نیز بتوانند کاربردی از درس را معرفی کنند در نتیجه تعاملات خوبی بین محقق و بچه‌ها برقرار شد و اثر مستقیم این روش را در بهبود روابط کاملاً احساس می‌کردیم و به همین خاطر تصمیم گرفتیم در سال‌های آتی نیز این روش را به کار گیریم.

راهکار بعدی که مورد بررسی قرار می‌دهیم به این صورت است؛ «هیچ‌گاه در کلاس تنها به یک نفر توجه نکنیم، از حضور تک تک دانش‌آموزان در کلاس استفاده کنیم و به نظریات و سخنان دانش‌آموزان در هنگام تدریس گوش دهیم.» که سعی شد به کل بچه‌ها در کلاس توجه داشته باشیم و از آن‌ها مطابق با سطح علمی، روحیات و ویژگی آن‌ها انتظار نتیجه مؤثر باشد. که با توجه به کتاب منیه المرید از شهید ثانی نیز داریم که هنگام طرح پرسش، درنگ معلم و دادن فرصت به بچه‌ها بسط و توضیح مسأله را در پی خواهد داشت (حجتی، ۱۳۶۴).

راهبرد پنجم چنین انتخاب شده بود، «اشتباه دانش‌آموزان خود را بزرگنمایی نکنیم.» در واقع تجربه نشان می‌دهد که عدم تأکید بر اشتباه دانش‌آموزان و فرصت دادن به آن‌ها برای اصلاح اشتباه‌ها در فرایند آموزش منجر به توجه بیشتر آن‌ها به محتوای درس می‌گردد.

راهبرد ششم چنین اتخاذ شد که «با همه دانش‌آموزان احوال‌پرسی کنیم و با مهربانی و دلسوزی سعی در رفع مشکلات آن‌ها داشته باشیم.» با اجرای این راهبرد عملاً دریافتیم که در صورت وجود فضای صمیمانه در کلاس درس دانش‌آموز سؤالات خود را راحت‌تر می‌پرسد. لذا اگر در برخی از قسمت‌ها، ابهام یا کج‌فهمی رخ داده بود، با توجیحات اولیه کاملاً برطرف می‌گردید. این راهبرد را در توان ممکن عملی شد اما به دلیل ارتباط مقطعی با دانش‌آموزان امکان برقراری پیوند قلبی محقق نبود. اما رابطه صمیمی معلم و شاگردان منجر شده بود که آن‌ها از ابتدای شروع کلاس، انگیزه لازم برای گوش دادن به درس را داشته باشند.

طبق راهبرد بعد سعی شد «فضای کلاس درس را جذاب کنیم.» تدریس ریاضی به سبکی که بین زندگی روزمره و مفاد درسی پیوند برقرار نماید، بسیار راحت‌تر است و فعل آموزش نیز برای دانش‌آموزان جذاب‌تر خواهد بود. لذا برای جذاب‌تر شدن درس، سعی نمودیم ریاضی را از حالت بنیادی به بستر کاربردی منتقل کنیم. چنان که در هر جلسه با نشان دادن چند تصویر از صحنه‌های طبیعی، نمایش فیلم، طراحی بازی و سرگرمی و... که مرتبط با موضوع درس بود؛ مشاهده شد که ارتباط بچه‌ها با محتوای درس و کلاس خیلی بیشتر می‌شود. همچنین انجام فعالیت با کاغذ پوستی و شطرنجی درس را برای دانش‌آموزان ملموس‌تر و

جذاب تر می نمود و قدرت درک شهودی آن‌ها در هندسه را تقویت می کرد. بدین ترتیب نتیجه می شود آموزش درس به طور کاربردگرا مفیدتر خواهد بود. به دلیل جذابیت‌های بصری موجود در پاورپوینت نمایش داده شده به آن‌ها و امکان متحرک‌سازی اشکال و تصاویر توجه دانش آموز بیشتر به درس جلب می شد.

طبق هشتمین و آخرین راهبرد سعی شد «اگر دانش‌آموزی کار اشتباهی انجام داد او را مستقیماً مورد موعظه قرار ندهیم.» این راهبرد بسیار جنبه عملی داشت چنان که مثلاً تعدادی از دانش‌آموزان که توجه کافی به درس نداشتند پس از لحظاتی بدون تذکر شخصی و تنها با مشاهده تشویق شدن مشارکت دوستانشان، سریع به شرکت در بحث‌ها علاقه‌مند شدند و به فضای درس وارد شدند. از دقت در روایات اهل بیت و قرآن کریم نیز می‌یابیم که بارها این نکته ذکر شده و همگی اولیا خدا و پیامبران بر حفظ شخصیت دیگران دقت نظر داشتند و مردم را ارشاد می‌کردند، (لیس منّا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا: کسی که به کودکان ما رحم نکند و بزرگسالان ما را احترام نگذارد از ما نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله) زیرا اسلام برای همه اعم از کوچک و بزرگ شخصیت قائل است به ویژه برای این امانت‌هایی که زیر دست معلم هاست و یکی از اصول تربیتی اسلام است. بنابراین معلم باید بتواند غرور و تکبر نوجوانی شاگردش را به بهترین شیوه تعدیل نماید و مبادا در گفتار و کردارش چیزی شخصیت‌شکن پیدا شود، که همگی این موارد در جهت مدیریت برقراری ارتباط بهتر با دانش آموز است (مظاهری، ۱۳۷۰).

نتیجه‌گیری

کنش‌پژوهی اخیر اثرات مثبتی در حرفه معلمی برای محقق به ارمغان آورد و فرصت‌هایی ایجاد کرد تا بتوانیم با کسب دانش و مهارت به صورت آگاهانه به وضعیت مطلوب نائل آییم و از گسل‌های ارتباطی خارج شویم. برقراری ارتباط مؤثر به عنوان محور کنش‌پژوهی حاضر انتخاب گردید، با توجه به اینکه هر انتقال مفهومی به واسطه ارتباطات انسانی رخ می‌دهد، در

امر آموزش که شالوده آن انتقال مفهوم از آموزش دهنده به آموزش پذیر است؛ جایگاه ارتباط دو چندان می‌شود.

بر اساس انجام آزمایش‌های تجربی در کلاس درس و محک زدن ۸ فرضیه به پاسخ منلسبی در خصوص عنوان کنش پژوهی رسیدیم. در واقع در ابتدا فرضیات با عنایت به مطالعه، مشاوره و تامل فراوان به عنوان حدس‌های عالمانه مطرح شده بودند و بعد از اجرا به صحت و سقم آن‌ها پی بردیم که طبق آن راهبردهای ورود با لبخند به کلاس، جایابی مناسب در کلاس، داشتن طرح درسی مناسب و پیوسته، عدم بزرگنمایی اشتباه بچه‌ها، احوال‌پرسی و برخورد‌های صمیمانه برای حل مشکلات بچه‌ها، جذاب نمودن فضای کلاس و عدم موعظه مستقیم دانش‌آموز، با کسب آمادگی قبلی برای حضور در کلاس به خوبی اجرا شدند و نتیجه بخش بودند. اما راهبرد توجه به همگی بچه‌ها چندان پیاده نگردید، یکی از دلایل عدم موفقیت این بود که تعداد جلسات حضور محقق در هر کلاس اندک بود و امکان شناخت خوب بچه‌ها نبود؛ دلیل دیگر این بود که چون در اکثر جلسات تدریس مدیریت کامل کلاس به عهده پژوهشگر نبود و بیشتر اوقات معلم راهنما بخشی از زمان کلاس را به انجام فعالیت‌های خویش اختصاص می‌داد، فرصت زیادی برای پیاده کردن شش مرحله تدریس نداشتیم. این راهبرد با این استناد علمی تأیید می‌گردد با توجه به نظر دکتر سیف معلم در برخورد با یادگیرندگان مختلف باید پذیرد که هر یک از آنان ممکن است با سبک خاصی از یادگیری به انجام تکالیف درسی و یادگیری موضوع‌های مختلف بپردازند. بنابراین، باید آماده باشد تا با هر یک از دانش‌آموزان خود برخوردی متناسب با سبک و شیوه یادگیری او داشته باشد (سیف، ۱۳۹۲).

توسعه حرفه‌ای به مفهوم حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب حرفه‌ای است، در این پژوهش یکی از ضعف‌های مهم تدریس یعنی توانمندی برقراری ارتباط مؤثر در کلاس‌های ریاضی تا حدود زیادی برطرف گردید و مهارت ارتباط‌گیری و انتقال مفاهیم تقویت شد. استراتژی کنش پژوهی برای سیاست‌گذاری و تعیین خط مشی جهت کسب تسلط بر کلیه مهارت‌های حرفه‌ای حوزه آموزش مفید و کارا ارزیابی می‌گردد.

منابع

- برون، سالی، کارولین ارلام و فیل ریس، ۱۳۹۰، *پانصد نکته برای معلمان*، ترجمه سعید خاکسار، تهران، نشر موزون.
- چارلز، سی. ام، ۱۳۸۳، *مدیریت و کلاس‌داری جذاب*، ترجمه شاپور امین شایان جهرمی و مرضیه امینی، شیراز، نشر کوشامهر.
- حجتی، سید محمد باقر، ۱۳۶۴، *آداب تعلیم و تعلم در اسلام*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حسینی بیرجندی، سید مهدی، ۱۳۹۳، *اصول و روش‌های راهنمایی و مشاوره*، تهران، نشر رشد.
- رؤوف، علی، ۱۳۷۵، *تربیت معلم و کارورزی*، تهران، انتشارات فاطمی.
- سیف، علی اکبر، ۱۳۹۲، *روانشناسی پرورشی نوین*، تهران، نشر دوران.
- شعبانی، حسن، ۱۳۹۲، *مهارت‌های آموزشی و پرورشی: روش‌ها و فنون تدریس*، تهران، سمت.
- علاقه‌بند، علی، ۱۳۹۳، *مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی*، تهران، نشر روان.
- مظاهری، ۱۳۷۰، *ویژگی‌های معلم خوب*، قم، نشر صحفی.
- نقیه، مجید، ۱۳۸۹، *ظرافت‌های معلمی: ۶۷۸ نکته کاربردی برای معلمان*، تهران، انتشارات بین‌المللی گاج.

Management of Communicating with Students in Math Class

Reihanesadat Mehdizade¹, Sare Haghkhah²

Abstract

One of the most important tasks of teachers in the teaching process is to establish correct and healthy relationships with students. The student must learn to socialize through school and by the teacher, and through acquiring the social skills needed by society, both to succeed and to progress, and to promote society. The present article tries to provide principles in the management of communication with the student in mathematics class, considering the action-research process. To achieve this goal, various books and articles were studied. By special study and reflection on the researcher's interactions in the school environment, we tried to identify the weaknesses or faults threatening the communication and turn them into strengths or opportunities during six teaching sessions. One of the important results is the need to be careful in your behavior in general and in particular. This is important because communication is not just a verbal aspect, and all actions, gestures, gestures, etc., all contain a message and contain a sign. Respect for the character of everyone in any social position is the foundation of maintaining human dignity and building constructive interaction. In general, in order to effectively communicate, eight practical solutions were tested as hypotheses in the experimental plant, which were evaluated and the correct hypotheses were identified.

Keywords: Interpersonal Communication, Teacher, Student, Mmath, Teaching.

¹ Teature Student, Farhangian University, IRAN, Rs.mehdizadeh@yahoo.com

² Assistant professor, Basic Sciences Department, Farhangian University, IRAN.